گنجینه زبان و ادبیات فارسی

ارائه مدل تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی

ناصر پروانی[۱]، امیرمحسن مدنی[۲*]، اسماعیل کاوسی[۳]، نادر محقق[۴]، لیلا باقری نظام آباد[۵]

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی، واحد بین المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران

۲. گروه طراحی صنعتی، واحد یادگار امام خمینی (ره)، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. گروه مدیریت فرهنگی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۴. گروه مدیریت فرهنگی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۵. گروه طراحی صنعتی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: Amir_m_madani@iau.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر طراحی و اعتبارسنجی مدلی برای تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی و تعیین میزان سهم ابعاد تشکیل‌دهنده آن بود. پژوهش با رویکرد آمیخته متوالی و در دو مرحله کیفی و کمی انجام شد. در بخش کیفی، از راهبرد تحلیل مضمون در چارچوب پارادایم تفسیری استفاده شد و داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان حوزه مدیریت فرهنگی و زبان و ادبیات فارسی گردآوری و طی مراحل مرور، سازمان‌دهی، کدگذاری، طبقه‌بندی و استخراج مقولات تحلیل شد. حاصل این مرحله، شناسایی هفت بعد و ۳۳ مؤلفه بود. در بخش کمی، پرسشنامه محقق‌ساخته مبتنی بر طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت تدوین و میان ۳۸۵ نفر از اعضای جامعه علمی مرتبط توزیع شد. روایی محتوایی، صوری و سازه و پایایی ابزار بررسی شد و تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از LISREL و تحلیل‌های آماری با SPSS انجام گرفت. شاخص KMO برابر با ۰.۸۷۹ و آزمون بارتلت معنادار بود ($p<0.001$) که کفایت داده‌ها برای تحلیل عاملی را تأیید کرد. تمامی بارهای عاملی و ضرایب مسیر در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار بودند. بارهای عاملی هفت بعد شامل حفظ ارزش‌های فرهنگ ایرانی (۰.۷۲)، گسترش اسلام و تقویت ارزش‌های فرهنگ اسلامی (۰.۸۹)، حفظ و ارتقای زبان و ادبیات فارسی (۰.۸۷)، حفظ و اعتلای فرهنگ و تمدن ایرانی (۰.۷۷)، حفظ هویت فرهنگی ایرانیان (۰.۹۳)، توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی (۰.۹۱) و گسترش زبان و ادبیات فارسی در جهان (۰.۸۴) بود. بیشترین سهم تبیین مربوط به حفظ هویت فرهنگی ایرانیان ($R^2=0.86$) و کمترین سهم مربوط به حفظ ارزش‌های فرهنگ ایرانی ($R^2=0.52$) بود. شاخص‌های برازش نیز مناسب بودن مدل را نشان دادند ($\chi^2/df=2.752$، $RMSEA=0.074$، $PNFI=0.588$، $GFI=0.90$، $NFI=0.91$ و $CFI=0.92$). مدل نهایی نشان داد که تقویت زبان و ادبیات فارسی پدیده‌ای چندبعدی است که به‌طور هم‌زمان با هویت فرهنگی، ارزش‌های ایرانی و اسلامی، اعتلای تمدنی و گسترش جهانی زبان فارسی ارتباط دارد. در میان ابعاد مدل، حفظ هویت فرهنگی ایرانیان و توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی بیشترین نقش را در تبیین سازه اصلی ایفا کردند؛ بنابراین، سیاست‌گذاری فرهنگی و آموزشی در زمینه زبان فارسی باید ضمن حفاظت از میراث زبانی و ادبی، بر بازتولید هویت فرهنگی و استفاده از ظرفیت زبان و ادبیات فارسی برای توسعه فرهنگی و تمدنی تمرکز کند.

کلیدواژگان: *زبان فارسی، ادبیات فارسی، هویت فرهنگی، فرهنگ ایرانی، تمدن ایرانی، تحلیل مضمون، تحلیل عاملی تأییدی.*

شیوه استناددهی: پروانی، ناصر.، مدنی، امیرمحسن.، کاوسی، اسماعیل.، محقق، نادر.، و باقری نظام آباد، لیلا. (۱۴۰۶). ارائه مدل تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی. *گنجینه زبان و ادبیات فارسی*، ۵(۲)، ۱۹-۱.

© ۱۴۰۶ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۵
تاریخ بازنگری: ۲۸ شهریور ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۵ مهر ۱۴۰۵
تاریخ چاپ اولیه: ۵ مهر ۱۴۰۵
تاریخ چاپ نهایی: ۱ تیر ۱۴۰۶

The Treasury of Persian Language and Literature

Presenting a Model for Strengthening Persian Language and Literature in Line with the Development of Iranian Culture and Civilization

Naser Parvani[1], Amir Mohsen Madani[2]*, Esmaeil Kavousi[3], Nader Mohaghegh[4], Leila Bagheri Nezamabad[5]

1. PhD Student, Department of Cultural Management and Planning, Ki.C., Islamic Azad University, Kish, Iran
2. Department of Industrial Design, YI.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran
3. Department of Cultural Management, NT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran
4. Department of Cultural Management, ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran
5. Department of Industrial Design, WT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: Amir_m_madani@iau.ac.ir

Abstract

This study aimed to develop and validate a model for strengthening Persian language and literature in line with the development of Iranian culture and civilization and to determine the contribution of its constituent dimensions. A sequential mixed-methods design was employed in qualitative and quantitative phases. In the qualitative phase, thematic analysis within an interpretive paradigm was used, and data were collected through semi-structured interviews with experts in cultural management and Persian language and literature. The data were analyzed through reviewing, organizing, coding, categorizing, and developing subcategories and major themes, resulting in seven dimensions and 33 components. In the quantitative phase, a researcher-made questionnaire based on a five-point Likert scale was administered to 385 participants from the relevant academic community. Content, face, and construct validity as well as instrument reliability were assessed. Confirmatory factor analysis was conducted using LISREL, while complementary statistical analyses were performed using SPSS. The KMO value was 0.879, and Bartlett's test was statistically significant ($p<0.001$), confirming sampling adequacy for factor analysis. All factor loadings and structural coefficients were significant at the 95% confidence level. The standardized factor loadings were 0.72 for preservation of Iranian cultural values, 0.89 for expansion of Islam and reinforcement of Islamic cultural values, 0.87 for preservation and advancement of Persian language and literature, 0.77 for preservation and elevation of Iranian culture and civilization, 0.93 for preservation of Iranian cultural identity, 0.91 for development of Iranian culture and civilization, and 0.84 for global expansion of Persian language and literature. Preservation of Iranian cultural identity explained the largest proportion of variance ($R^2=0.86$), whereas preservation of Iranian cultural values explained the smallest proportion ($R^2=0.52$). Model-fit indices indicated acceptable fit ($\chi^2/df=2.752$, RMSEA=0.074, PNFI=0.588, GFI=0.90, NFI=0.91, and CFI=0.92). The validated model indicates that strengthening Persian language and literature is a multidimensional process closely associated with cultural identity, Iranian and Islamic values, civilizational advancement, and the international dissemination of Persian. Preservation of Iranian cultural identity and development of Iranian culture and civilization emerged as the most influential dimensions. Accordingly, cultural and educational policies should integrate linguistic preservation with identity reinforcement and employ the capacities of Persian language and literature as instruments for sustainable cultural and civilizational development.

Keywords: *Persian language, Persian literature, cultural identity, Iranian culture, Iranian civilization, thematic analysis, confirmatory factor analysis.*

How to cite: Parvani, N., Madani, A. M., Kavousi, E., Mohaghegh, N., & Bagheri Nezamabad, L. (2027). Presenting a Model for Strengthening Persian Language and Literature in Line with the Development of Iranian Culture and Civilization. *The Treasury of Persian Language and Literature*, *5*(2), 1-19.

© 2027 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 05 May 2026
Revise Date: 19 September 2026
Accept Date: 27 September 2026
Initial Publish: 27 September 2026
Final Publish: 22 June 2027

مقدمه

کشور کهن‌سال ایران در طی قرون و اعصار، پیوسته مرکز تعامل و اختلاط فرهنگ و تمدن دنیا بوده و فرهنگ درخشان ایرانی و زبان پربار پارسی در رشد و اعتلای فرهنگ و دانش بسیاری از کشورها نقش مهمی داشته است؛ ضمن آنکه ماندگارترین تأثیرات را بر آن‌ها نهاده و به‌عنوان یک زبان ارتباطی، عامل ایجاد تفاهم و همدلی بوده است. این زبان چه در آن روزگارانی که کورش و داریوش بدان سخن می‌گفتند و اعلامیه‌ها و منشورها و فرمان‌های خویش را بر پیشانی صخره‌ها و ستون‌ها حک می‌کردند و چه آن زمان که فردوسی بزرگ، حماسه سترگ خود را با آن می‌سرود تا ریشه‌ها و علایق ملی و فرهنگی را با آن نیرو بخشد و خودشناسی و خودباوری را به ایرانیان نشان دهد، چه هنگامی که مولوی، آفریننده بزرگ ادب عرفانی ایران و جهان آثار خود را با آن سرود، تا اصالت دینی و عرفانی را به مردم بیاموزد و چه هنگامی که سعدی و حافظ شیراز ماندگارترین آثار ادبی خود را با آن نوشتند، همیشه و همواره نقش اصلی و ویژه‌ای در پایداری و حیات قوم ایرانی و وحدت ملی بازی کرده و می‌کند. در حقیقت، زبان فارسی همیشه چون حلقه‌ای مرئی و نامرئی، هویت ملی ایرانیان و اقوام آن را به یکدیگر پیوند داده و اکنون نیز همچنان عامل اصلی وحدت ملی ایرانیان است (1). مردم سراسر ایران از هر نژاد و تیره و قبیله‌ای، نقش مهم و اساسی در گسترش، ظرفیت‌سازی و شیرینی زبان فارسی و فرهنگ و تمدن ایرانی داشته‌اند. همه ایرانیان در بستر تاریخ پرفرازونشیب خویش، چنین میراث ماندگاری را آفریده‌اند، میراثی که سرچشمه‌های هویت ملی ما را رقم زده است و حیات فکری و فرهنگی ایرانیان با آن پیوند دیرین، ماندگار و گسست‌ناپذیر داشته و دارد (2). لذا با توجه به آمیختگی بسیار زیاد ادبیات فارسی با فرهنگ و تمدن اسلامی می‌توان گفت عملاً این معارف در عمق جامعه نفوذ کرده و نهادینه شده است.

زبان ترکیبی منظم از آواها، نشانه‌های کلامی و نوشتاری است که وسیله ارتباطی مؤثری برای تعامل میان انسان‌ها و بیانگر هویت هر کشور و عنصر وحدت‌بخش ملی محسوب می‌شود. زبان و ادبیات فارسی نیز به‌عنوان گنجینه‌ای ارزشمند و میراث فرهنگی ایرانیان به شمار می‌رود که سده‌ها پیش یعقوب لیث صفاری، بنیان‌گذار سلسله صفاریان، این زبان را در کشورمان رسمی و در راه اعتلای آن بسیار کوشید. ادیبان و شاعران بزرگ فارسی‌زبان، تمامی تلاش خویش را در مسیر حفظ و گسترش این میراث غنی به کار برده‌اند تا آن را به جایگاه شایسته خویش در جهان برسانند. اکنون نیز رسالت تمامی مردم، نهادها و مسئولان بایستی بر این مهم باشد تا به پاسداری از این گنجینه ارزشمند بپردازند و در مسیر ارتقای آن از هیچ کوششی فروگذاری نکنند. دانشمندان و ادیبان می‌توانند با تدوین روش‌های درست در تلفظ واژگان زبان فارسی، تکمیل زبان و ظرفیت‌های آن مؤثر باشند. گسترش و سطح پیچیدگی ارتباط اقتصادی، علمی، فرهنگی و... به‌صورت مستقیم بر زبان تأثیرگذار هستند. همان‌گونه که مدنیت رشد می‌کند، زبان نیز در کنار آن با پیشرفت روبه‌رو خواهد شد که ارتقای اندیشه‌ورزی را نیز به دنبال دارد و در برابر آن به تکامل روابط انسانی، ارتقای سطح دانش اجتماعی و علوم در عرصه‌های گوناگون دست خواهیم یافت و این عوامل در توسعه و گسترش زبان مؤثر هستند (3).

زبان فارسی یکی از غنی‌ترین ادبیات‌ها را در بین زبان‌های زنده جهان دارا است؛ به نحوی که ادبیات فارسی را یکی از عظیم‌ترین ادبیات‌های بشریت خوانده‌اند (4). این غنا هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی بسیار قابل‌توجه است. از نظر کمی حجم متون ادبی تولیدشده به زبان فارسی، به نسبت گویشوران آن، بسیار بالاست. به نحوی که از آغاز شعر فارسی در قرن سوم هجری تا آغاز سلسله صفویه (۹۰۷ ه.ق) آثار شاعران بسیار زیادی به دست ما رسیده و گفته شده که در دربار سلطان محمود غزنوی به‌تنهایی بیش از چهارصد شاعر وجود داشته است (6). (5) بزرگان ادب فارسی

همواره تلاش داشته‌اند تا مسائل زندگی انسانی حاکم در جامعه خویش را در لباسی از بازی‌های شاعرانه یا به‌اصطلاح صور خیال، بنابر دلایلی، در آثار ابداعی خود بیان نمایند (7).

از سویی، ادبیات و فرهنگ به‌عنوان دو مقوله، مشخصه‌های مشترک بسیاری دارند؛ و از جمله آنکه هر دو انسان‌پی هستند. برخی از محققان علوم انسانی در تعریف از انسان چنین گفته‌اند: انسان، حیوانی است با فرهنگ، همچنان که این اختصاص در خصوص نطق ـ قوه شکل‌دهنده ادبیات ـ هم آمده: انسان حیوان ناطق است. فرهنگ با تشکیل نخستین تجمعات زیستی انسانی پدید آمده است. ادبیات هم به‌مثابه روایت‌گری از رویدادها و احساسات، همزاد نخستین انسان‌ها بوده است. در حوزه نظام آموزشی هم کاملاً واضح است که این ساختار می‌تواند تأثیری بزرگ در انتقال و پاسداشت فرهنگ و ادبیات داشته باشد، هم ادبیات و هم فرهنگ و نظام آموزشی، می‌توانند بر هم اثرگذار باشند (8). همواره در طول ادوار تاریخی، بین ادبیات فارسی و فرهنگ و تمدن رابطه‌ای متقابل و دوسویه وجود داشته است. به جرئت می‌توان گفت اغلب جوامع، از این قاعده مستثنا نیستند و به نوعی از تأثیرات متقابل ادبیات و تمدن بهره برده‌اند (9).

دوام و استمرار هویت فرهنگی ایرانی در طول تاریخ مدیون شاعران و نویسندگان اقوام مختلفی چون ترک، کرد، لر، بلوچ و... بوده؛ چراکه هر یک با افزودن لایه‌های هویتی فرهنگی به دیرپایی، غنا و عظمت آن افزوده‌اند و بدین ترتیب زبان و ادبیات همچون چتر گسترده‌ای هویت‌های محلی و نیز هویت دیگر اقوام را زیر سایه خود قرار می‌دهد؛ اما علاوه بر این، عناصری که در پایداری و سربلندی هویت ایرانی و هویت فرهنگی نقش مهمی را ایفا می‌کنند، آداب و رسوم و سنت‌ها و میراث مکتوبی است که همواره بزرگان ادب فارسی در آثار خود به یادگار گذاشته‌اند. بنابراین، با مطالعه دقیق هر زبان می‌توان از روساخت آن به ژرف‌ساخت آن زبان پی برد و به آداب، رسوم، طرز فکر و اندیشه آن قوم دست یافت. حتی حکایت‌ها، داستان‌ها و رمان‌ها، چه در شکل سنتی و چه در شکل مدرن و چه در رئالیست، در القای ارزش‌های فرهنگی این سرزمین کوشیده‌اند (10). با توجه به اینکه ادبیات هر کشور فرهنگ و تمدن آن کشور را به‌صورتی هنری بازنمایی می‌کند، می‌تواند به شکلی غیرمستقیم آثار عمیق بر جوامع و فرهنگ‌های دیگر بگذارد. در ایران با توجه به اینکه عمده آثار فاخر ادبیات فارسی ریشه در تمدن اسلامی دارند و عملاً به معرفی فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانیان می‌پردازند، توجه به ادبیات باید بیشتر و استفاده از آن باید گسترده‌تر باشد. در این پژوهش به بررسی توانایی بالقوه زبان و ادبیات فارسی در این زمینه پرداخته شده و سعی شده است با نگاهی واقع‌نگر و فارغ از تعارفات معمول، آنچه که می‌تواند در این راه کارگشا باشد مطرح گردد.

لذا در این پژوهش سعی شده است مدل تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی طراحی و ارائه شود.

پیشینه تجربی تحقیق:

از جمله پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه می‌توان به پژوهشی که والی اصل (11) با عنوان «نقش فرهنگ در تعلیم زبان فارسی به‌عنوان یک زبان» انجام داده است، اشاره کرد. نتایج تحقیق نشان داد که فرهنگ نقش حیاتی در آموزش زبان فارسی دارد و نمی‌توان آن را از فرآیند یادگیری زبان جدا کرد. درک فرهنگ ایرانی به زبان‌آموزان کمک می‌کند تا زبان را بهتر درک کنند، مهارت‌های ارتباطی خود را تقویت کنند و با افراد از پس‌زمینه‌های مختلف ارتباط برقرار کنند. اقبالی (10) پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر ادبیات فارسی بر حفظ هویت فرهنگی ایران» انجام داده است. نتایج تحقیق نشان داد که متون حماسی با بیان استوار و موسیقی خیزان و با ترویج اخلاق، انسانیت، وطن‌پرستی، جوانمردی و زنده نگه داشتن روحیه آزادگی، متون عرفانی با بیان هنری و متعالی خود در ارتقای هویت دینی و جاودانگی ارزش‌های معنوی نقش

بسزایی دارند. بشکار (12) پژوهشی با عنوان «نقش ادبیات فارسی در انتقال فرهنگ و ارزش‌های ایرانی تعدیل» انجام داده است. نتایج تحقیق نشان داد که ادبیات فارسی به‌عنوان یکی از ارکان اساسی فرهنگ ایرانی، نقش مهمی در انتقال و ترویج ارزش‌های انسانی و اجتماعی در تاریخ ایران ایفا کرده است. مظفری کاکوندی (3) پژوهشی با عنوان «اهمیت حفظ و گسترش زبان فارسی» انجام داده است. نتایج تحقیق نشان داد اگر در کشور تحقیق‌های علمی بسیاری صورت پذیرد، این امر سبب تکامل زبان خواهد شد و اگر به این امر توجه نکنند زبان نمی‌تواند ارتقا یابد. پشتوانه زبان فارسی باید علم باشد تا در همه‌جا بتواند گسترش پیدا کند. علم به هر نقطه از جهان برود زبان هم به دنبال آن خواهد رفت. باقری (13) پژوهشی با عنوان «بررسی نقش ادبیات در حفظ هویت فرهنگی» انجام داده است. نتایج تحقیق نشان داد که ادبیات فارسی، با تمام زیبایی‌ها و غنای خود، نه‌تنها گنجینه‌ای از گذشته است بلکه می‌تواند راهنمایی برای آینده باشد و به‌عنوان یک نیروی زنده در حفظ و توسعه هویت فرهنگی ایران عمل کند. کشانی (14) پژوهشی با عنوان «اهمیت حفظ و گسترش زبان و ادبیات فارسی در عصر اطلاعات» انجام داده است. نتایج تحقیق نشان داد که زبان، پدیده‌ای متحول و زنده است که همواره در حال بازسازی خویش است. دلیل آن نیز روشن است؛ این پدیده بر بستر وجود زنده انسانی و ارتباطات و گستره عمل اجتماعی، حرکت می‌کند، در نتیجه، در یک رابطه دائمی با بستر خویش، متأثر از دیالکتیک تکامل و قوانین حاکم بر حرکت جامعه است. لیو (15) پژوهشی با عنوان «بررسی افزایش مهارت زبان انگلیسی دانشجویان معاصر با استفاده از ارتباطات بین‌فرهنگی در پس‌زمینه اینترنت» انجام داد. نتایج تحقیق نشان داد که فرآیند یادگیری زبان انگلیسی ارتباط نزدیکی با فرآیند ارتباطات بین‌فرهنگی دارد. ساروینوزکان (16) تحقیقی با عنوان «خطاها و موانع در ارتباطات میان‌فرهنگی» انجام داد. نتایج تحقیق نشان داد که، با توجه به ضرورت‌های عصر کنونی، شمار افرادی که به مطالعه فرهنگ‌های دیگر کشورها علاقه‌مند هستند به‌طور چشمگیری در حال افزایش است. این افزایش به دلیل نزدیکی بیشتر افراد، زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف به یکدیگر و همچنین علاقه بیشتر به یادگیری زبان‌های خارجی است. شاهلو (16) در تحقیقی با عنوان «مسائل ارتباط بین‌فرهنگی و پذیرش» به تحلیل یکی از جنبه‌های زبان‌شناسی مدرن ـ پدیده دریافت در ارتباطات بین‌فرهنگی ـ می‌پردازد. در زبان‌شناسی مدرن، مسائل مربوط به ارتباطات بین‌فرهنگی یکی از موضوعات مهم است. ارزش‌های انسانی جهانی از طریق ویژگی‌های عمومی و خاص فرهنگ‌های مختلف، به نمایندگان ملیت‌های مختلف تجلیل می‌شود و این باعث می‌شود که فرصتی برای درک متقابل بین مردم ایجاد شود. ریخان و همکاران (17) تحقیقی با عنوان «تعامل جهانی شدن و فرهنگ در جهان مدرن» انجام دادند. به این نتیجه رسیدند که جهانی‌شدن بر تغییر الگوهای فرهنگی تأثیر می‌گذارد. لیدنر (18) در تحقیقی با عنوان «جهانی شدن، فرهنگ و اطلاعات» به بررسی تعامل جهانی شدن، فرهنگ و اطلاعات پرداخته و به این نتیجه رسیده که شفافیت دانش جهانی دارای دو جنبه است: یکی ارائه محصول بیشتر و دیگری ارائه اطلاعات و خدمت به مصرف‌کننده. وی معتقد است با توجه به اینکه مصرف‌کنندگان دارای نظام ارزشی متفاوت هستند، آگاهی آنان در مورد روند تولید، شرایط کاری و دستمزد کارگران، شرایط و چگونگی مواد اولیه تولید بر روی انتخاب آنان تأثیر می‌گذارد و ارائه این اطلاعات به مدد جهانی شدن می‌تواند صورت بگیرد.

هدف تحقیق

طراحی مدل تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی

سوال تحقیق

مدل تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی کدام است؟

روش تحقیق

تحقیق حاضر با هدف طراحی و ارائه مدل تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی صورت گرفت. این تحقیق از نوع تحقیقات آمیخته متوالی است که در دو بخش کیفی و کمی انجام شد. بخش کیفی از نظر هدف جزء تحقیقات بنیادین از نوع تحقیقات اکتشافی است که روش آن تحلیل مضمون است و بخش کمی از نظر هدف جزء تحقیقات کاربردی و به واسطه ماهیت از نوع تحقیقات توصیفی است که به روش پیمایشی انجام گرفت.

در مرحله اول، از روش کیفی تحلیل مضمون استفاده شده است، جامعه آماری در بخش کیفی شامل اعضای هیات علمی گروه های مدیریت فرهنگی و ادبیات فارسی می باشند که برابر ۲۰ نفر بودند. ابزار تحقیق شامل برگه‌های کدگذاری محقق ساخته بود که روایی آن توسط اعضای گروه دلفی تأیید و پایایی آن با معیار پی اسکات ۰/۹۵ محاسبه شد. یافته های تحقیق نشان داد که عوامل مرتبط با مدل تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی در ۷ بعد و ۳۳ مولفه جای گرفتند.

در مرحله دوم، بعد از تعیین مولفه و شاخص های اصلی تحقیق در بخش اول، پرسشنامه ای براساس مقیاس ۵ بخشی لیکرت (۱=خیلی کم، ۲=کم،۳=متوسط،۴=زیادو۵=خیلی زیاد) طراحی شده و با توزیع آزمایشی پرسشنامه و دریافت نظرات اساتید آگاه در زمینه مدیریت فرهنگی و ادبیات فارسی، مولفه ها مورد جرح و تعدیل قرار گرفته و بعد از اصلاحات مورد نیاز و نهایی شدن، پرسشنامه در میان اعضای نمونه آماری توزیع شده است. در این تحقیق، از روش های مطالعات کتابخانه ای و میدانی و ابزار پرسشنامه برای جمع آوری داده ها استفاده شده است. جامعه آماری شامل اعضای انجمن علمی مدیریت فرهنگی و ادبیات فارسی می باشند. که مطابق اطلاعات سامانه انجمن علمی مدیریت فرهنگی و ادبیات فارسی حدودا ۱۰۰۰۰۰ نفر می باشند تعداد نمونه طریق جدول مورگان در سطح اطمینان ۹۵ درصد برابر با تعداد ۳۸۵ نفر به دست آمد که نمونه گیری به روش طبقه بندی در دسترس صورت گرفت. از تعداد ۴۰۰ پرسشنامه ارائه شده تعداد ۳۸۵ پرسشنامه برگشت شد. ابزار و روش گردآوری اطلاعات در بخش کیفی، تحلیل مضمون و در بخش کمی پرسشنامه محقق ساخته بود. روایی آن توسط خبرگان مدیریت (۲۰ نفر از صاحب‌نظران دانشگاهی) تأیید و پایایی آن با معیار پی اسکات ۰/۹۵ محاسبه شد. در بخش کمی روایی محتوایی از طریق متخصصین موضوعی و روایی صوری از طریق تعدادی از پاسخگویان مورد تأیید قرار گرفت. همچنین در بررسی روایی سازه به بررسی تناظر بین ابعاد و مؤلفه های الگوی تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی، از روش تحلیل عاملی تأییدی در محیط نرم‌افزار LISREL پرداخته شد. همچنین برای بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد.در تحلیل داده‌های کیفی ۵ مرحله شامل مرور داده‌ها، سازماندهی داده‌ها،، کدگذاری داده‌ها، طبقه‌بندی داده‌ها و ایجاد مقولات فرعی و ابعاد اصلی یا محورهای عمده و تدوین گزارش انجام شد. روش تجزیه و تحلیل داده ها در بخش کمی پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی صورت گرفت.

یافته های تحقیق :

سوال اول: ابعاد و مولفه های مدل تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی کدامند؟

پس از مطالعه منابع مکتوب و دیجیتالی در دسترس و باتجزیه تحلیل مبانی نظری پژوهش و بررسی دیدگاه های دانشمندان و صاحب نظران پیرامون مولفه ها و شاخص های مدل تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی، جمله ها و پاراگراف های مرتبط با سوال های تحقیق استخراج گردیدند و پس از کدگذاری و دسته بندی، مفاهیم و مقوله های اصلی استخراج گردید که در پایان، ابعاد و مولفه های مدل الگوی تقویت

زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی در ۷ بعد (حفظ ارزش های فرهنگ ایرانی، گسترش اسلام و تقویت ارزش های فرهنگ اسلامی، حفظ وارتقای زبان و ادبیات فارسی، حفظ واعتلای فرهنگ و تمدن ایرانی، حفظ هویت فرهنگی ایرانیان، توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی و گسترش زبان و ادبیات فارسی در جهان) ارائه شد.

سوال دوم: برازش کلی مدل و سهم هر یک از ابعاد شکل دهنده مدل تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی چگونه است؟

آزمون کفایت نمونه

برای کسب اطمینان از کفایت نمونه در جدول ۱ نتایج آزمون بارتلت و شاخص KMO ارائه شده است.

جدول(۱) نتایج آزمون کفایت نمونه گیری

	آزمون بارتلت	
مقدار آماره *KMO*	آماره کای دو	سطح معناداری
۰/۸۷۹	۱۱۰۷۶/۱۵۸	۰/۰۰۰

با توجه به جدول (۱) مقدار شاخص KMO برابر ۰/۸۷۹ است (بیشتر از ۰/۷)، لذا تعداد نمونه (تعداد پاسخ‌دهندگان) برای تحلیل عاملی کافی می‌باشد. همچنین مقدار sig آزمون بارتلت، کوچکتر از ۰/۰۵ است؛ که نشان می‌دهد تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار مدل عاملی مناسب است.

بررسی مدل پژوهش

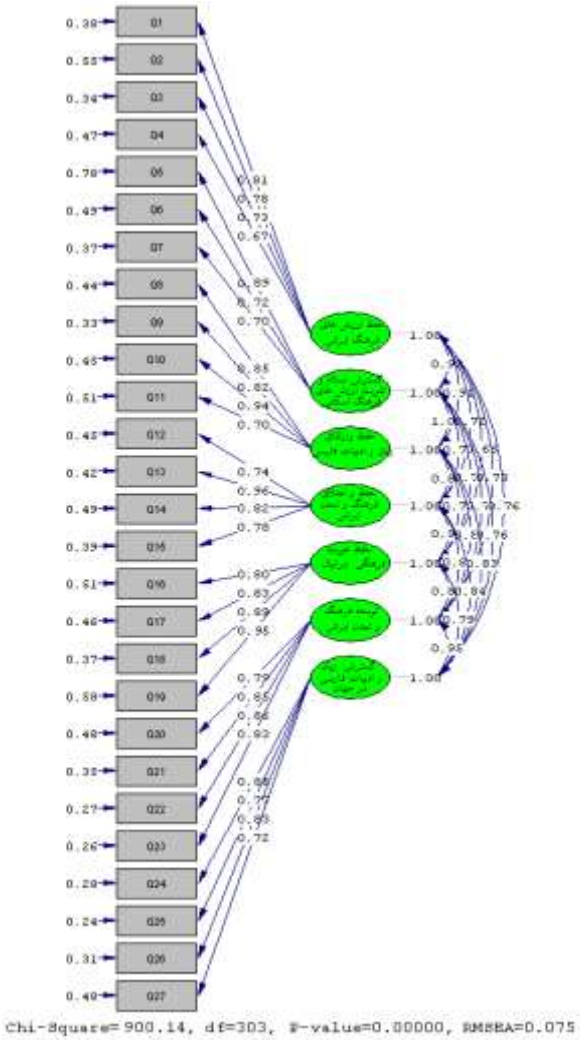
۱- بررسی اعتبار سازه

در این بخش با کمک تحلیل عاملی مرتبه اول شاخص های الگوی تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی شناسایی شده اند. در شمایل زیربیضی ها، متغیرهای مکنون یا عامل ها، و مستطیل ها گویه های پرسشنامه را نشان می دهد. بارهای عاملی مدل در حالت تخمین استاندارد میزان تاثیر هر کدام از متغیرها و یا گویه ها را در توضیح و تبیین واریانس نمرات متغیر یا عامل اصلی نشان می دهد. به عبارت دیگر بار عاملی نشان دهنده میزان همبستگی هر متغیر مشاهده گر (سوال پرسشنامه) با متغیر مکنون (عامل ها) می باشد. بارهای عاملی هر یک از سوالات تحقیق را می توان در جدول ۲ مشاهده نمود که بر طبق نتایج نمودار ۱ و ۲ درج شده است.

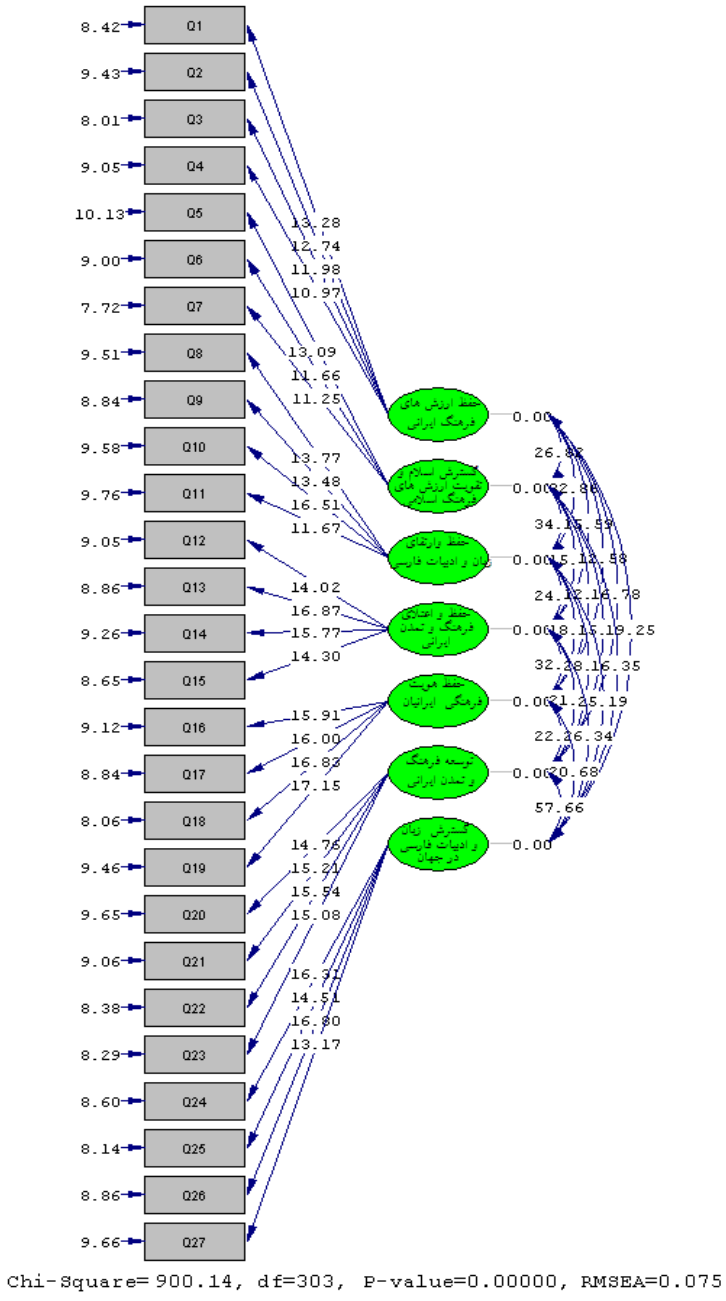
جدول ۲. بررسی بار عامل ابعاد مولفه های تحقیق

شاخص		بار عاملی	آماره t	ضریب تعیین
حفظ ارزش های فرهنگ ایرانی	محافظت از ارزش‌های فرهنگی جامعه ایرانی	۰/۸۱	۱۳/۲۸	۰/۶۵
	شکل دهی به هویت ملی ایرانی	۰/۷۸	۱۲/۷۴	۰/۶۱
	تقویت یکپارچگی و انسجام فرهنگی	۰/۷۳	۱۱/۹۸	۰/۵۳
	ترویج ارزش های اجتماعی و فرهنگی ایرانی	۰/۶۷	۱۰/۹۷	۰/۴۵
گسترش اسلام و تقویت ارزش‌های فرهنگ اسلامی	انتقال ارزش‌های فرهنگی ایرانی به جوامع اسلامی	۰/۸۹	۱۳/۰۹	۰/۷۹
	نقش زبان و ادبیات فارسی در گسترش و غنای فرهنگ اسلامی	۰/۷۲	۱۱/۶۶	۰/۵۲
	انقلاب اسلامی و ترویج زبان فارسی	۰/۷۰	۱۱/۲۵	۰/۴۹
حفظ وارتقای زبان و ادبیات فارسی	ضرورت بازسازی وارتقای زبان فارسی	۰/۸۵	۱۳/۷۷	۰/۷۲
	نقش دانشمندان و ادیبان در حفظ وارتقای زبان فارسی	۰/۸۲	۱۳/۴۸	۰/۶۷
	نقش فرهنگ درآموزش زبان فارسی	۰/۹۴	۱۶/۵۴	۰/۸۸
	نقش اسلام در غنای ادبیات فارسی	۰/۷۰	۱۱/۶۷	۰/۴۹

حفظ و اعتلای فرهنگ و تمدن ایرانی	نقش شاعران بزرگ در اعتلای زبان و میراث فرهنگی ایرانیان	۰/۷۴	۱۴/۰۲	۰/۵۴
	پاسداری از گنجینه زبان و ادبیات فارسی	۰/۹۶	۱۶/۸۷	۰/۹۲
	پیوند هویت فرهنگی و ملی مردم و اقوام ایرانی	۰/۸۲	۱۵/۷۷	۰/۶۷
	انتقال و ترویج ارزش‌های انسانی و اجتماعی در تاریخ ایران	۰/۷۸	۱۴/۳۰	۰/۶۱
حفظ هویت فرهنگی ایرانیان	نقش ادبیات فارسی در حفظ هویت فرهنگی ایرانیان	۰/۸۰	۱۵/۹۱	۰/۶۴
	ارتقای هویت دینی و جاودانگی ارزش های معنوی	۰/۸۳	۱۶/۰۰	۰/۶۸
	حفظ فرهنگ و تمدن ایرانی	۰/۸۹	۱۶/۸۳	۰/۷۹
	نظام آموزشی و انتقال و پاسداشت فرهنگ	۰/۹۵	۱۷/۱۵	۰/۹۰
توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی	ادبیات فارسی و توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی	۰/۷۹	۱۴/۷۶	۰/۶۲
	ادبیات فارسی و پیشرفت جامعه	۰/۸۵	۱۵/۲۱	۰/۷۲
	ادبیات فارسی و تحول جامعه	۰/۸۶	۱۵/۵۴	۰/۷۴
	ادبیات فارسی و اعتلای فرهنگی و اجتماعی جامعه	۰/۸۳	۱۵/۰۸	۰/۶۸
گسترش زبان و ادبیات فارسی در جهان	تحکیم و ترویج معارف اسلامی	۰/۸۵	۱۶/۳۱	۰/۷۲
	رغبت مردم به زبان فارسی	۰/۷۷	۱۴/۵۴	۰/۵۹
	حفظ زایندگی و خلاقیت زبان فارسی	۰/۸۳	۱۶/۸۰	۰/۶۹
	ترویج صحیح زبان فارسی در خارج از کشور	۰/۷۱	۱۳/۱۷	۰/۵۰



نمودار (۱) تخمین استاندارد



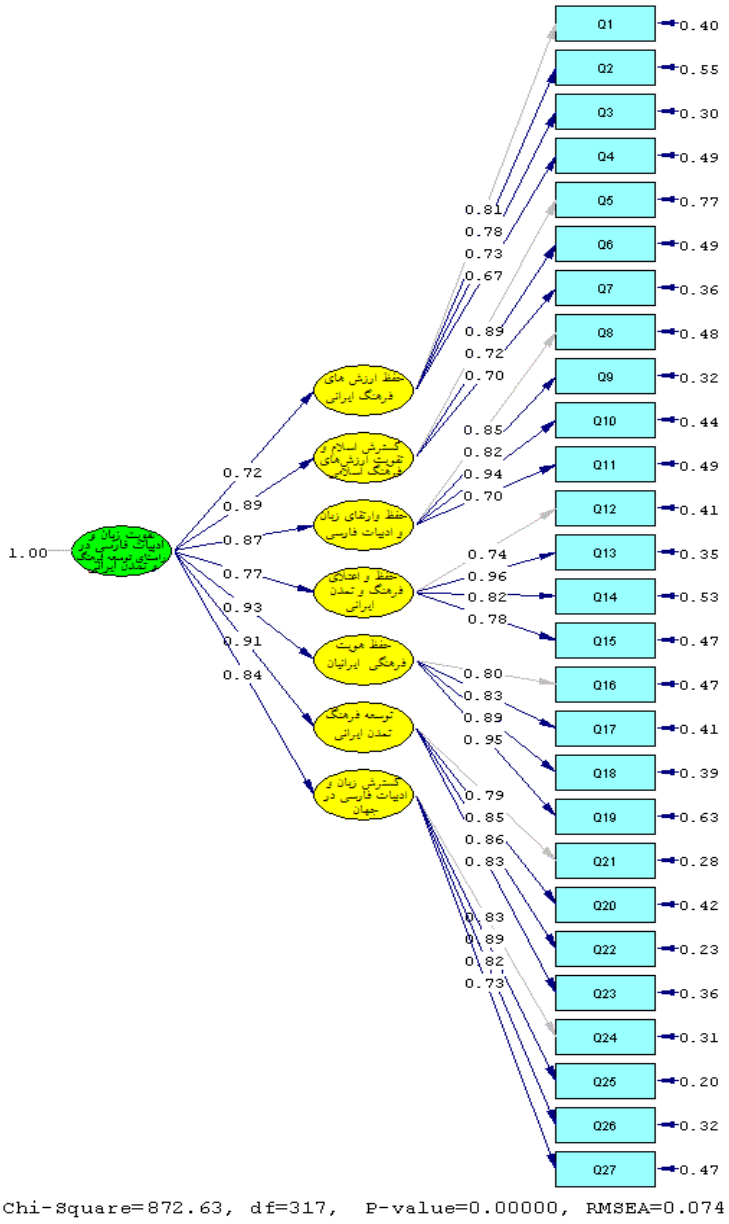
نمودار (۲) معناداری الگوی اندازه گیری

نمودار (۲) مدل در حالت معناداری ضرایب و پارامترهای بدست آمده را نشان می دهد. مدل اندازه گیری، بارهای عاملی هر یک از سوالات تحقیق را نشان می دهد که تمامی ضرایب بدست آمده معنادار شده اند. زیرا مقدار آزمون معناداری بزرگتر از ۱/۹۶ یا کوچکتر از ۱/۹۶- نشان دهنده معناداری بودن روابط است. نمودار (۱) مقدار بار عاملی هر گویه بیشتر از ۰/۵ است که این نشان دهنده آن است که تمام گویه ها در مدل باقی می مانند.

بررسی مدل تحقیق

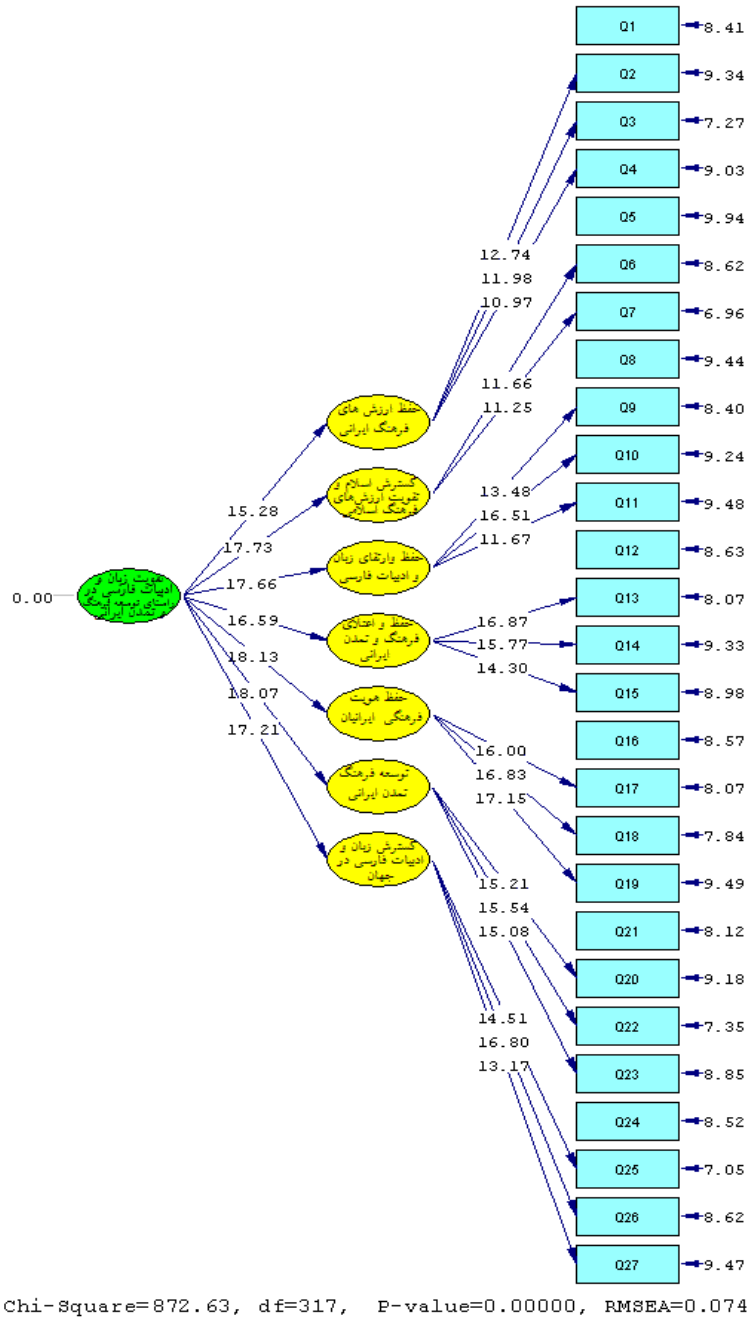
بارهای عاملی مدل در حالت تخمین استاندارد میزان تاثیر هر کدام از متغیرها را در توضیح و تبیین واریانس نمرات عامل اصلی "تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی" نشان می دهد. با توجه به نمودار (۳) می توان بارهای عاملی هر یک از ابعاد مدل تحقیق را مشاهده نمود.

- بعد « حفظ ارزش های فرهنگ ایرانی» دارای بار عاملی (۰/۷۲) می باشد. به عبارت دیگر بعد «حفظ ارزش های فرهنگ ایرانی» تقریباً ۵۲ درصد (۰/۷۲را به توان ۲ می رسانیم) از واریانس الگوی «تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی» را تبیین می نماید.
- بعد «گسترش اسلام و تقویت ارزش های فرهنگ اسلامی» دارای بار عاملی (۰/۸۹) می باشد. به عبارت دیگر متغیر «گسترش اسلام و تقویت ارزش های فرهنگ اسلامی» تقریباً ۷۹ درصد (۰/۸۹را به توان ۲ می رسانیم) از واریانس الگوی « تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی» را تبیین می نماید.
- بعد «حفظ وارتقای زبان و ادبیات فارسی» دارای بار عاملی (۰/۸۷) می باشد. به عبارت دیگر «حفظ وارتقای زبان و ادبیات فارسی» تقریباً ۷۵ درصد (۰/۸۷را به توان ۲ می رسانیم) از واریانس الگوی « تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی» را تبیین می نماید.
- بعد «حفظ واعتلای فرهنگ و تمدن ایرانی» دارای بار عاملی (۰/۷۷) می باشد. به عبارت دیگر «حفظ واعتلای فرهنگ و تمدن ایرانی» تقریباً ۵۹ درصد (۰/۷۷را به توان ۲ می رسانیم) از واریانس الگوی « تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی» را تبیین می نماید.
- بعد «حفظ هویت فرهنگی ایرانیان» دارای بار عاملی (۰/۹۳) می باشد. به عبارت دیگر بعد «حفظ هویت فرهنگی ایرانیان» تقریباً ۸۶ درصد (۰/۹۳را به توان ۲ می رسانیم) از واریانس الگوی «تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی» را تبیین می نماید.
- بعد «توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی» دارای بار عاملی (۰/۹۱) می باشد. به عبارت دیگر بعد «توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی» تقریباً ۸۲ درصد (۰/۹۱را به توان ۲ می رسانیم) از واریانس الگوی « تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی» را تبیین می نماید.
- بعد « گسترش زبان و ادبیات فارسی در جهان» دارای بار عاملی (۰/۸۴) می باشد. به عبارت دیگر بعد «گسترش زبان و ادبیات فارسی در جهان» تقریباً ۷۱ درصد (۰/۸۴را به توان ۲ می رسانیم) از واریانس الگوی « تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی» را تبیین می نماید.



نمودار (۳) الگوی اندازه گیری مدل تحقیق در حالت تخمین استاندارد

خروجی بعدی یعنی شکل (۴) مدل در حالت معناداری ضرایب و پارامترهای بدست آمده مدل اندازه‌گیری بارهای عاملی هر یک از ابعاد مدل تحقیق را نشان می‌دهد که تمامی ضرایب بدست آمده معنادار شده‌اند. زیرا مقدار آزمون معناداری بزرگتر از ۱/۹۶ یا کوچکتر از ۱/۹۶- نشان دهنده معناداری بودن روابط است.



نمودار (۴) الگوی اندازه گیری مدل تحقیق در حالت معنی داری پارامتر

همانطور که مشاهده می‌شود طبق شکل ۴ تمام مقادیر آماره t خارج از بازه (۱/۹۶ و ۱/۹۶-) است. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت تمام روابط معنادار هستند.

با توجه به شکل ۳ و ۴ می‌توان گفت مقدار معناداری تمام ابعاد خارج از بازه (۱/۹۶ و ۱/۹۶-) است. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت تمام روابط معنادار هستند. با توجه به ضرایب مشخص گردید حفظ هویت فرهنگ ایرانیان بیشترین سهم را در تأثیرگذاری الگوی تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی دارد و حفظ ارزش‌های فرهنگ ایرانی کمترین سهم را دارد. خلاصه نتایج در جدول ۳ مشاهده می شود.

جدول (۳) خلاصه نتایج تحلیل عاملی تاییدی مرتبه دوم

مولفه	بار عاملی	آماره t	ضریب تعیین	رتبه
حفظ ارزش‌های فرهنگ ایرانی	۰/۷۲	۱۵/۲۸	۰/۵۲	هفتم
گسترش اسلام و تقویت ارزش‌های فرهنگ اسلامی	۰/۸۹	۱۷/۷۳	۰/۷۹	سوم
حفظ و ارتقای زبان و ادبیات فارسی	۰/۸۷	۱۷/۶۶	۰/۷۵	چهارم
حفظ و اعتلای فرهنگ و تمدن ایرانی	۰/۷۷	۱۶/۵۹	۰/۵۹	ششم
حفظ هویت فرهنگی ایرانیان	۰/۹۳	۱۸/۱۳	۰/۸۶	اول
توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی	۰/۹۱	۱۸/۰۷	۰/۸۲	دوم
گسترش زبان و ادبیات فارسی در جهان	۰/۸۴	۱۷/۲۱	۰/۷۱	پنجم

برازش مدل

شاخص‌های نیکویی برازش یک از اهداف اصلی در استفاده از مدلسازی معادلات ساختاری، شناخت میزان همخوانی بین داده‌های تجربی با مدل مفهومی و نظری است. برای شناخت میزان همخوانی داده‌های تجربی و مدل مفهومی از شاخص‌ها و معیارهایی استفاده می‌شود که به آنها شاخص‌های نیکویی برازش می‌گویند. در مدل اندازه‌گیری از شاخص‌های متفاوتی برای حصول اطمینان از نیکویی برازش مدل استفاده می‌شود. در جدول (۴) شاخص‌های محاسبه شده و مقدار استاندارد آورده شده است. مقایسه آن دو نشان می‌دهد که همخوانی بین داده‌های تجربی با مدل مفهومی و نظری وجود دارد.

جدول (۴) برازش مدل

*	شاخص اصلی		شاخص های فرعی				
نام شاخص	X^2/DF	RMSEA	PNFI	GFI	AGAI	NFI	CFI
مقدار استاندارد	کمتر از ۳	کمتر از ۰/۰۸	بیشتر از۰/۵	بیشتر۰/۸	بیشتر۰/۸	بیشتر۰/۹	بیشتر۰/۹
مقدار مدل	۲/۷۵۲	۰/۰۷۴	۰/۵۸۸	۰/۹۱	۰/۹۰	۰/۹۱	۰/۹۲

مقدار شاخص های اصلی و فرعی برازش مدل می توان نتیجه گرفت مدل برازش داده شده مدل مناسبی می باشد و میزان همخوانی داده های تجربی و مدل مفهومی در حد قابل قبول می باشد.

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف ارائه الگوی تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی صورت گرفت. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از تحقیق حاضر، می‌توان اذعان کرد که یافته‌های این پژوهش منطبق بر یافته‌های پژوهش والی اصل (11) با عنوان «نقش فرهنگ در تعلیم زبان فارسی به‌عنوان یک زبان» می‌باشد. همچنین این یافته‌ها منطبق بر یافته‌های پژوهش اقبالی (10) با عنوان «بررسی تأثیر ادبیات فارسی بر حفظ هویت فرهنگی ایران» می‌باشد. یافته‌های پژوهش با یافته‌های پژوهش بشکار (12) با عنوان «نقش ادبیات فارسی در انتقال فرهنگ و ارزش‌های ایرانی تعدیل» همخوان می‌باشد. این یافته‌ها منطبق بر یافته‌های پژوهش مظفری کاکوندی (3) با عنوان «اهمیت حفظ و گسترش زبان فارسی» می‌باشد. یافته‌های پژوهش با یافته‌های پژوهش باقری (13) با عنوان «بررسی نقش ادبیات در حفظ هویت فرهنگی»

همخوان می‌باشد. همچنین، یافته‌های پژوهش منطبق بر یافته‌های پژوهش کشانی (14) با عنوان «اهمیت حفظ و گسترش زبان و ادبیات فارسی در عصر اطلاعات» می‌باشد. یافته‌های پژوهش با یافته‌های پژوهش لیو (15) با عنوان «بررسی افزایش مهارت زبان انگلیسی دانشجویان معاصر با استفاده از ارتباطات بین‌فرهنگی در پس‌زمینه اینترنت» همخوان می‌باشد. یافته‌های پژوهش با یافته‌های پژوهش ساروینوزکان (16) با عنوان «خطاها و موانع در ارتباطات میان‌فرهنگی» همخوان می‌باشد. همچنین این یافته‌ها منطبق بر یافته‌های پژوهش شاهلو (16) با عنوان «مسائل ارتباط بین‌فرهنگی و پذیرش» می‌باشد. یافته‌های پژوهش همچنین با یافته‌های پژوهش ریخان و همکاران (17) با عنوان «تعامل جهانی شدن و فرهنگ در جهان مدرن» همخوان می‌باشد. یافته‌های پژوهش با یافته‌های پژوهش لیدنر (18) با عنوان «جهانی شدن، فرهنگ و اطلاعات» همخوان می‌باشد و این نشان می‌دهد که تعداد زیادی از مفاهیم و ابعاد و مؤلفه‌های الگوی تقویت زبان و ادبیات فارسی در راستای توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی در بستر عمیقی از فهم مشترک جامعه قرار دارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Persian language and literature have historically functioned not merely as instruments of communication but as major carriers of Iranian cultural memory, national cohesion, civilizational continuity, and collective identity. Across successive historical periods, Persian has provided a common symbolic and linguistic framework through which diverse ethnic and regional communities in Iran have participated in the construction and preservation of a shared cultural space. Its role has extended from the transmission of literary, ethical, mystical, and religious traditions to the strengthening of national solidarity and the preservation of historical consciousness. The continuity of Persian as a common language has therefore been closely associated with cultural integration and the maintenance of Iranian identity (1). Persian poetry and literature have also contributed to the revival and reproduction of Iranian cultural values by preserving historical narratives, aesthetic traditions, ethical ideals, and collective memories across generations (2). Moreover, the close interaction between Persian literature and Islamic-Iranian civilization has created a cultural synthesis in which literary works have served as repositories of religious, philosophical, moral, and social meanings. Literature, in this sense, is not separable from the broader cultural system within which it is produced and transmitted, and its preservation and development are consequently linked to the sustainability of Iranian culture and civilization. Previous scholarship has similarly emphasized the importance of language as a dynamic cultural institution whose growth depends on scientific production, intellectual development, and the expansion of communicative capacities (3). Against this background, the present study sought to develop and empirically validate a

comprehensive model for strengthening Persian language and literature in line with the development of Iranian culture and civilization, while also determining the relative contribution of the model's constituent dimensions.

Persian is widely recognized as one of the historically rich literary languages of the world, with a long tradition of poetic, prose, historical, mystical, philosophical, and didactic production. Its literary heritage has been described as one of the major achievements of world civilization, distinguished by both the volume and the intellectual-aesthetic quality of its textual tradition (4). The historical development of Persian literature, particularly from the early Islamic centuries onward, demonstrates that literary production was closely connected with political institutions, court culture, religious thought, education, and social life; the prominence of Persian poetry during the Ghaznavid period is one notable example of this broader civilizational role (5). The historical continuity of Persian literature also reflects its capacity to integrate multiple cultural, ethnic, religious, and intellectual traditions while maintaining a recognizable linguistic and literary identity (6). Contemporary studies further indicate that literature plays an important role in preserving cultural identity because literary texts communicate values, collective memories, moral ideals, symbols, and culturally embedded patterns of meaning (13). Research has also highlighted the function of Persian literature in transmitting Iranian cultural and social values and in reinforcing humanistic and ethical concepts across historical periods (12). Likewise, literary and cultural education are interdependent processes; educational institutions contribute to the transmission and preservation of language and literature, while literary traditions themselves enrich cultural and educational systems (8). The preservation of Persian literature has additionally been linked to the maintenance of Islamic culture and civilization, reflecting the deep interaction between Persian literary production and Islamic intellectual history (9). These theoretical and empirical considerations support the need for an integrated model that simultaneously addresses language preservation, cultural identity, civilizational development, religious-cultural values, and the international expansion of Persian language and literature.

The study employed a sequential mixed-methods design consisting of qualitative and quantitative phases. In the qualitative phase, an exploratory thematic analysis approach was used within an interpretive framework to identify the dimensions and components associated with strengthening Persian language and literature in relation to the development of Iranian culture and civilization. The qualitative population comprised university faculty members and specialists in cultural management and Persian language and literature. Semi-structured interviews and researcher-developed coding sheets were used for data collection and analysis. The

qualitative data analysis process involved repeated review of the collected materials, organization of the data, coding, categorization, formation of subcategories, extraction of major themes, and preparation of the final thematic structure. The validity of the qualitative framework was examined through expert review, and reliability was assessed using Scott's pi coefficient, which reached 0.95. The qualitative analysis resulted in the identification of seven principal dimensions and 33 components. In the quantitative phase, a researcher-made questionnaire was developed on the basis of the qualitative findings and organized using a five-point Likert scale ranging from very low to very high. Content validity was assessed by subject-matter specialists, face validity was examined with selected respondents, and construct validity was evaluated through confirmatory factor analysis. The statistical population consisted of members of relevant scientific associations in the fields of cultural management and Persian language and literature. A sample of 385 respondents was obtained, and 400 questionnaires were initially distributed, of which 385 were returned and analyzed. Quantitative analyses included descriptive statistics, the Kaiser–Meyer–Olkin measure, Bartlett's test of sphericity, first-order and second-order confirmatory factor analysis, and model-fit assessment. SPSS and LISREL were used to analyze the data and evaluate the measurement and structural properties of the proposed model.

The qualitative findings indicated that the model for strengthening Persian language and literature in line with the development of Iranian culture and civilization consisted of seven major dimensions: preservation of Iranian cultural values; expansion of Islam and reinforcement of Islamic cultural values; preservation and advancement of Persian language and literature; preservation and elevation of Iranian culture and civilization; preservation of Iranian cultural identity; development of Iranian culture and civilization; and global expansion of Persian language and literature. The quantitative findings supported the adequacy and validity of this structure. The KMO value was 0.879, indicating sufficient sampling adequacy for factor analysis, while Bartlett's test was statistically significant at $p<0.001$, confirming that the correlation matrix was appropriate for factor extraction. All observed indicators had factor loadings greater than 0.50, and all t-values exceeded the critical threshold of ±1.96, demonstrating that the measurement relationships were statistically significant at the 95% confidence level. In the second-order confirmatory factor analysis, preservation of Iranian cultural identity had the highest standardized factor loading at 0.93 and explained approximately 86% of the variance associated with the overarching construct. Development of Iranian culture and civilization followed with a factor loading of 0.91 and an explained variance of approximately 82%. Expansion of Islam and reinforcement of Islamic cultural values had a

loading of 0.89, preservation and advancement of Persian language and literature 0.87, global expansion of Persian language and literature 0.84, preservation and elevation of Iranian culture and civilization 0.77, and preservation of Iranian cultural values 0.72. The overall goodness-of-fit indices were within acceptable ranges, with $\chi^2/df=2.752$, RMSEA=0.074, PNFI=0.588, GFI=0.90, NFI=0.91, and CFI=0.92, indicating acceptable correspondence between the empirical data and the conceptual model.

The findings suggest that strengthening Persian language and literature is best understood as a multidimensional cultural-developmental process rather than as a narrowly linguistic or educational undertaking. The dominant position of cultural identity in the model indicates that Persian language and literature derive much of their social and civilizational significance from their capacity to reproduce collective identity, preserve historical memory, transmit cultural values, and connect present generations with inherited cultural traditions. This result is consistent with research emphasizing the role of Persian literature in maintaining Iranian cultural identity and transmitting national and ethical values (10, 13). The strong contribution of the development of Iranian culture and civilization also confirms that language and literature are not merely outcomes of civilization but active instruments in its reproduction and transformation. Persian literary production can contribute to social and cultural development by promoting intellectual reflection, aesthetic awareness, ethical discourse, and collective self-understanding (7). The substantial contribution of Islamic cultural values further reflects the historical interweaving of Persian literature with Islamic thought and civilization, supporting previous observations regarding the role of Persian literature in preserving Islamic cultural traditions (9). At the same time, the global expansion dimension highlights the relevance of Persian in an era characterized by intercultural communication, globalization, and increasing interaction among linguistic communities. Contemporary research demonstrates that language learning is deeply influenced by intercultural communication and cultural understanding (15), while broader studies of globalization show that intensified cultural contact reshapes patterns of cultural interaction and knowledge exchange (17, 18). The model therefore implies that policies aimed at strengthening Persian should integrate cultural education, identity formation, scientific and academic development, digital dissemination, international teaching, intercultural communication, and institutional support rather than relying on isolated language-preservation measures.

The study developed and empirically validated a seven-dimensional model for strengthening Persian language and literature in line with the development of Iranian culture and civilization. The model demonstrates that the sustainability and advancement of Persian depend on a

coordinated relationship among cultural values, Islamic-Iranian cultural traditions, linguistic and literary development, cultural identity, civilizational advancement, and international dissemination. Among these dimensions, preservation of Iranian cultural identity and development of Iranian culture and civilization emerged as the strongest explanatory dimensions, indicating that the future of Persian language and literature is closely connected to the ways in which institutions and communities reproduce identity, transmit cultural memory, and use literary and linguistic resources to support cultural development. The acceptable fit of the confirmatory model further indicates that the identified dimensions provide a coherent empirical framework for understanding the principal areas through which Persian can be preserved, strengthened, and expanded. Accordingly, effective cultural and educational policy should not treat Persian merely as a linguistic subject to be protected but as an integrated cultural and civilizational resource. Strengthening Persian therefore requires coordinated action in education, cultural policy, literary production, scientific communication, media, digital technologies, intercultural exchange, and international language promotion. Such an integrated approach can contribute simultaneously to the preservation of cultural heritage, reinforcement of national and cultural identity, transmission of ethical and historical values, development of contemporary cultural capacities, and broader representation of Iranian culture and civilization in regional and global contexts.

References

1. Khorrami Rafani J, editor Examining the Importance of the Persian Language as the Common Language of Iranians in Cohesion and Unity. Third National Conference on New Approaches in Education and Research; 2018; Mahmoudabad, Iran.
2. Alidoust A, Fallahian M, editors. Examining the Role of Persian Poetry and Literature in Reviving Iranian Culture. Eighth National Conference on New Research in Iranian Language and Literature; 2024; Tehran, Iran.
3. Mozaffari Kakvandi F, editor The Importance of Preserving and Expanding the Persian Language. Fourteenth National Conference on Law, Social and Human Sciences, Psychology, and Counseling; 2023; Shirvan, Iran.
4. Arberry AJ. The Legacy of Persia. Oxford: Clarendon Press; 2023.
5. Bosworth CA. The Ghaznavids. History of Civilizations of Central Asia. 4. Paris: UNESCO; 2018. p. 95-117.
6. Rypka J. History of Iranian Literature. Dordrecht: D. Reidel; 2020.
7. Hatefi Ardakani G, editor Examining the Impact of Persian Language and Literature on Social Progress. International Conference on Fundamental Research in Management, Development, and Humanities; 2020; Karaj, Iran.
8. Malekoutifar M, Sedaghat A, Ansarinia A, Dehghani MJ, Mirzaei MM, editors. Examining the Impact of Literature and Poetry on the Development of Civilization and the Cultural-Educational System of the Country. Seventh International Conference on Persian Language and Literature; 2023; Hamadan, Iran.
9. Kaboli N, editor Examining the Role of Persian Literature in Preserving Islamic Culture and Civilization. Eighth International Conference on Language, Literature, History, and Civilization; 2022.
10. Eghbali S, editor Examining the Impact of Persian Literature on Preserving Iran's Cultural Identity. Eighteenth National Conference on Management and Humanities Research in Iran; 2024; Tehran, Iran.
11. Vali Asl AS, editor The Role of Culture in Teaching Persian as a Language. Twentieth National Conference on Law, Social and Human Sciences, Psychology, and Counseling; 2025; Shirvan, Iran.

12. Beshkar P, editor The Role of Persian Literature in Transmitting Iranian Culture and Values. Third International Conference on Literature, Linguistics, and Humanities; 2024; Hamadan, Iran.
13. Bagheri S, editor Examining the Role of Literature in Preserving Cultural Identity. Seventh International Conference on Persian Language and Literature; 2023; Hamadan, Iran.
14. Kashani P, editor The Importance of Preserving and Expanding Persian Language and Literature in the Information Age. Second International Conference on Literature, Linguistics, and Humanities; 2023; Hamadan, Iran.
15. Liu M. A Study on the Enhancement of English Proficiency by Intercultural Communication. Applied Mathematics and Education. 2024.
16. Shahlo AGa. Issues of Intercultural Communication and Reception. IJODKOR O'QITUVCHI Journal. 2023.
17. Raikhan S, Moldakhmet M, Ryskeldy M, Alua M. The Interaction of Globalization and Culture in the Modern World. Procedia - Social and Behavioral Sciences. 2014;122:8-12.
18. Leidner DE. Globalization, Culture, and Information: Towards Global Knowledge Transparency. The Journal of Strategic Information Systems. 2010;19(2):69-77.